

آموزش فلسفه به کودکان از منظر مقام معظم رهبری

آموزش فلسفه به کودکان از منظر مقام معظم رهبری



یک نکته‌ای که در ضمن مطالب این دوستان هم بود، ذهن بنده هم همواره خیلی متوجه به آن است، این است که ما در درجه‌ی اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم. اگر توانستیم هویت انسانی این کودک را از آغاز کودکی شکل بدهیم و خلقیاتی را در آن به وجود بیاوریم، این برای همیشه به درد خواهد خورد. عوارضی وجود دارد، معمولاً این عوارض اخلاقیات را تحت تأثیر قرار میدهد؛ اما اگر چنانچه شخصیت کودک از آغاز ساخته شد و شکل گرفت، تأثیرات عوارض کمتر خواهد بود و عوامل کمک‌کننده هم در بین راه کمک خواهد کرد.

این خانم به تعبیر «فلسفیدن» اشاره کردند؛ این بسیار تعبیر درستی است. امروز در کشورهای پیشرفته‌ی مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته‌ی مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی‌ها در جامعه‌ی ما اصلاً تصور نمیکنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور

میکنند فلسفه به معنای یک چیزِ قلمبه سلمبه‌ای است که یک عده‌ای در سنین بالا به آن توجه میکنند؛ این نیست. فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادنِ فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب مهم است. اگرچه محتوا هم در همین فلسفه‌ی کودکان حائز اهمیت است، اما عمده شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است. من خوشحال شدم از این که دیدم در خلال حرفها این را متذکر شدند.

«بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی
۱۳۹۱/۰۷/۲۰»

«جای خالی فکرمحوری»

«فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادنِ فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید.» این عبارات بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره‌ی جایگاه و اهمیت مقوله‌ی تفکرورزی و آموزش فلسفه به کودکان در مدارس است. این مسئله از سالیانی پیش یکی از دغدغه‌های آیت الله العظمی خامنه‌ای بوده و در برهه‌های مختلف توسط ایشان مطرح شده است.

آموزش فلسفه به کودکان از دوره‌ی دبستان از جمله مطالبات ایشان از آموزش و پرورش و معلمان است. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره‌ی این مسئله است:

✘ معلم می‌تواند فکر کردن را به کودک بیاموزد

توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی یعنی چه؟ توسعه فرهنگی و سیاسی این است که انسانها در جامعه احساس کنند که می‌توانند درست بیندیشند، درست بفهمند و درست فرا بگیرند. اگر کشوری بتواند خود را به اینجا برساند، توطئه‌ها و گمراه‌گریها در آن اثر نمی‌کند. این چیز خوبی است، اما این با جنجال و غوغا و های و هوی و روزنامه بازی و امثال اینها درست نمی‌شود؛ به دست معلم درست می‌شود. توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی را معلم پایه‌گذاری می‌کند. شما هستید که در داخل

مدارس خودتان، این کودک را از هفت سالگی تحویل می‌گیرید و در هجده، نوزده سالگی تحویل دانشگاه می‌دهید. اساس‌ترین و مهم‌ترین دوران عمر این کودک، با شما معلم‌مان است. باید کشور و جامعه روی این مسأله حساب کنند. معلم، یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد؛ معلومات خوب را به کودک بیاموزد؛ فکر کردن را به کودک بیاموزد؛ استقلال رأی را به کودک بیاموزد.

۱۳۷۸/۰۲/۱۵

✘ بسط فلسفه با ادبیات جذّاب

یکی از رشته‌های تألیف و کار فلسفی، نوشتن فلسفه برای کودکان است. کتابهای فلسفی متعدّی برای کودکان نوشته‌اند و ذهن آنان را از اوّل با مبانی فلسفی که امروز مورد پسند لیبرال دمکراسی است، آشنا می‌کنند. یقیناً در نظام شوروی سابق و دیگر نظامهای مارکسیستی اگر دستگاه فلسفه برای کودکان و جوانان بود، چیزی بود که مثلاً به فلسفه علمی «مارکس» منتهی شود. ما از این کار غفلت داریم. من به دوستانی که در بنیاد ملاّصدرا مشغول کار هستند، سفارش کردم، گفتم بنشینید برای جوانان و کودکان کتاب بنویسید. این کاری است که قم می‌تواند بر آن همّت بگمارد. بنابراین از جمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛ البته با مبانی مستحکم و ادبیات خوب و جذّاب. ۱۳۸۲/۱۰/۲۹

✘ آموزش فلسفه از دوره دبستان

اگر آموزش و پرورش در یک کشور ارتقاء پیدا بکند و اصلاح شود، در اقتصاد، سلامت و بهداشت، محیط زیست، مرگ و میر، باروری، زیبایی و هنر، رفتارهای گوناگون مردم در سطح جامعه با یکدیگر، و فراتر از همه اینها، در دین، فلسفه و اخلاق تأثیر خواهد گذاشت. امروز در دنیا به زبان کودکی به کودکان فلسفه می‌آموزند؛ یعنی چیزی که از نظر بعضی از طراحان کشور ما بی‌معنی است؛ فکر می‌کنند فلسفه مخصوص آدمهای ریش و سبیل‌دار و کسانی است که یک سنی از آنها گذشته باشد. نگاه مدرن به مسائل حیات، امروز پیشروان علمی دنیا را به اینجا رسانده که باید فلسفه را از دوره دبستان به کودکان تعلیم داد؛ البته با زبان کودکی. ۱۳۸۵/۰۲/۱۲

✘ جای خالی فکرمحوری

[غربی‌ها] شیوه‌های آموزش پرورشی خوبی داشتند و ما هم از آنها یاد گرفتیم. اینکه دبستانها از مکتبخانه‌های قدیم بهتر بود؛ دبستان، دبیرستان، تقسیم‌بندی‌ها، خوب بود، اینها را که ما رد نمیکنیم؛ اینها مفید است؛ اما بالاخره چقدرش، چه‌جورش، با کدام رویکردش، ما دیگر به این توجه نکردیم و یکپارچه گرفتیم. آنها گفتند شش کلاس اینجور باشد، شش کلاس آنجوری باشد، ما همان را آوردیم. بعد، آنها روششان را تغییر دادند، پنج کلاس و سه کلاس و فلان، ما هم این را یاد گرفتیم، آوردیم. خوب، اینکه نمیشود. آنها کتاب درسی با درسهای مختلف داشتند، گفتند اینها را تعلیم بدهید، ما هم همینطور این تراکم تعلیمات را فرا گرفتیم. شیوه‌ی سازماندهی آموزش پرورش هم از لحاظ قالب، هم از لحاظ محتوا یک شیوه‌ی تقلیدی محض است. این درست نیست. ما باید نگاه کنیم ببینیم چه لازم داریم، این شیوه‌ای که هست، کجایش معیوب است. این شیوه عیوبی دارد که یکی از عیبهایش همین حافظه‌محوری است به جای فکرمحوری. آموزش و پرورش ما حافظه‌محور است. بچه‌ها باید همینطور دائم محفوظات درست کنند.

۱۳۸۷/۰۲/۱۲

✘ ذهن کودک را به تفکر کردن عادت دهید

امروز در کشورهای پیشرفته‌ی مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته‌ی مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی‌ها در جامعه‌ی ما اصلاً تصور نمیکنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور میکنند فلسفه به معنای یک چیزِ قلمبه سلمبه‌ای است که یک عده‌ای در سنین بالا به آن توجه میکنند؛ این نیست. فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادنِ فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب مهم است. اگرچه محتوا هم در همین فلسفه‌ی کودکان حائز اهمیت است، اما عمده شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است. ۱۳۹۱/۰۷/۲۰